

<https://www.pecritiue.com>

نقد اقتصاد سیاسی
آبان‌ماه ۱۴۰۲

صهیونیسم چه گونه ساخته شد؟

ایلان پاپه



Getty Images

به محض اعلان جنگ اسرائیل به غزه‌ی تحت محاصره در ۷ اکتبر، رهبران غربی پشت دولت مورد علاقه‌ی خود در خاورمیانه جا سفت کردند. بیشترین حمایت پرشور از جانب بریتانیا بود.

اگرچه سایر کشورهای غربی همدردی و حمایت فوری از اسرائیل نشان دادند، حمایت بریتانیا به‌طور خاص ارزش تأمل دارد.

اسرائیل صرفاً هم‌پیمان بریتانیا نیست. علاوه بر آن، ساخته‌ی دست بریتانیا است. در مقاله‌ی زیر که تنها چند روز قبل از شروع جنگ بین اسرائیل و مقاومت فلسطین نوشته شده است، ایلان پاپه، تاریخ‌نگار و استاد دانشگاه اکستر، استدلال می‌کند که صهیونیسم نه پدیده‌ای کاملاً یهودی اروپایی، بلکه در واقع پی‌آمد یک روند تاریخی مسیحی است.

غرب به‌طور کلی، و آلمان به‌طور خاص، تلاش کرده‌اند تا قرن‌ها یهودی‌ستیزی را چنان‌که باید جبران کنند. آن‌ها به‌جای تأمل بر عارضه‌های نژادپرستی که همچنان بر جوامع غربی حاکم است، توبه‌شان را معمولاً با حمایت کورکورانه از دولت اسرائیل و سیاست‌های آن بازگو می‌کنند.

آن‌چه غرب - و به ویژه بریتانیا و ایالات متحده - از آن بیزار است، پذیرش هرگونه مسئولیتی در قبال نگرش‌های تاریخی اسلام‌هراسانه‌ی غربی است که پروژه‌ی صهیونیستی را شکل داده است. طبقات حاکم بریتانیا - از جمله بخش‌هایی از اشرافیت انگلیسی-یهودی - بر نقشی که جهان‌بینی امپراتورمآبانه و یهودستیزانه‌شان در تسهیل و گسترش صهیونیسم‌سازی فلسطین ایفا کرد اذعان نکرده‌اند.

کاربرد جذاب الگوی استعماری شهرک‌نشینی در مطالعه‌ی موردی فلسطین تا حدودی از در نظر گرفتن زمینه‌های امپریالیستی که این پروژه استعماری شهرک‌نشینی در آن عمل می‌کرد غفلت کرده است. بدون حمایت امپریالیست‌ها، استعمارگران مهاجر نمی‌توانستند به کشورهای مردمان بومی که بعداً از آنها سلب‌مالکیت کردند، پا بگذارند.

مسئولیت آنچه که پاتریک وولف فقید «حذف بومیان» می‌نامید، صرفاً برعهده‌ی جنبش استعماری شهرکنشینان است، اما ائتلاف مسیحیت انجیلی (در دو سوی اقیانوس اطلس)، سرآمدان سیاسی و اشراف بریتانیا (و به‌ویژه اعضای یهودی انگلیسی این جامعه) توجیه امپراتورمآبانه‌ی پروژه‌ای را ارائه کردند که منجر به فاجعه‌ای برای مردم بومی فلسطین شد.

پروژه‌ی استعماری شهرکنشینان صهیونیستی منجر به فاجعه (نکبه) ۱۹۴۸ شد. این پاکسازی قومی تا همین امروز ادامه دارد و ائتلافی قوی در غرب که زیرساخت‌های سلب‌مالکیت از فلسطینیان را فراهم می‌کرد، در ابتدا آن را امکان‌پذیر کردند. وقتی استعمارزدایی و آزادسازی فلسطین از رؤیا به واقعیت بدل شود، از راه‌های دیگری محقق خواهد شد. هنگامی که این رؤیا محقق شود، با پاسخ‌گو ساختن مسیحیت انجیلی در خصوص نقشی که در نابودی فلسطین ایفا کرده است، شناخت نقش غرب در این امر تقویت خواهد شد.

هیچ‌گاه تصدیق نمی‌شود که صهیونیسم در اصل یک پروژه‌ی انجیلی مسیحی بوده است. وقتی مورخان به این فکر می‌کنند که چرا بریتانیا تصمیم گرفت از پروژه‌ی صهیونیست‌های یهودی برای استعمار فلسطین و ایجاد یک کشور یهودی در آنجا حمایت کند، این تبار صهیونیسم را معمولاً نادیده می‌گیرند.

این بُعد تاریخی مهمی است که برای درک موفقیت صهیونیست‌ها بعد از سال ۱۹۱۷ بسیار حیاتی است. آمادگی اسرائیل برای فتح فلسطین حتی در زمانی که اکثر جهان استعمار را نقض آشکار حقوق بین‌الملل می‌دانستند، نیازی به دفاع از چالش‌های اخلاقی و سیاسی نداشت.

در موفقیت صهیونیسم و حمایت بین‌المللی که دولت نویناد صهیونیستی از آن برخوردار بود، عوامل زیادی نقش داشته‌اند. هولوکاست و به‌ویژه گناه غرب، اسلام‌هراسی، منافع سرمایه‌داری و صنعتی و حمایت آمریکا همگی نقش خود را ایفا کردند. اما این‌ها عواملی بودند که این پروژه را پایدار و از آن محافظت کردند، نه این که آغاز آن را تسهیل کرده باشند. ائتلاف مسیحیان انجیلی، در دو سوی اقیانوس اطلس، طبقات حاکم بریتانیا (و به ویژه رهبری و اشراف یهودیان انگلیسی) آغاز صهیونیزه کردن فلسطین را امکان‌پذیر ساختند.

این ائتلاف امروز هم زنده است و همچنان از اسرائیل و جلوگیری از فشار عادلانه و اخلاقی از بیرون برای توقف سیاست‌های نسل‌کشی علیه فلسطینیان پشتیبانی می‌کند. این ائتلاف بین سال‌های ۱۸۵۰ و ۱۹۱۸ شکل گرفت و امپراتوری بریتانیا را نه تنها به دنبال داشتن یک فلسطین بریتانیایی - زمانی که هنوز بخشی از امپراتوری عثمانی بود - سوق داد، بلکه به‌علاوه آن را به‌عنوان یک فلسطین یهودی نیز تصور می‌کرد.

انگیزه‌های مسیحیان انجیلی، الهیاتی و ترکیبی عجیب از یهودستیزی و یهودشیفتگی بود. هم از یک‌سو تحسین الهیاتی نقش یهودیان در برنامه‌های خدا برای آینده وجود داشت، و هم از سوی دیگر نفرت از یهودیت به عنوان یک دین کژآیین (با این تصور که یهودیان مسئول مرگ عیسی بودند). برای آشتی دادن این دو، یهودیان مجبور بودند با ایفای نقش در یک نقشه‌ی الهی که به بازگشت مسیح‌های منجی، رستخیز مردگان و آخرالزمان منجر می‌شد، کفاره می‌دادند.

راه دیگر برای آشتی دادن این تقبیح و تمجید، گرایش مسیحیت انجیلی، به‌ویژه در بریتانیا، برای کنار گذاشتن تصویر یهودیت به‌عنوان یک دین و قالب‌بندی آن به‌عنوان یک نژاد، ملت یا قوم بود. این تصویر یهودشیفته از یهودیت دو نتیجه‌ی متناقض داشت: از یک سو بر ظهور افکار مشابه در میان روشنفکران یهودی در اروپای اواسط قرن نوزدهم تأثیر گذاشت و از سوی دیگر توجیه ایدئولوژیک نژادپرستانه برای نسل‌کشی یهودیان اروپا به‌دست نازی‌ها در جنگ جهانی دوم ارائه کرد.

در فرایندی طولانی که در اواسط قرن نوزدهم به اوج خود رسید، مسیحیان انجیلی در بریتانیا دولت‌شان را متقاعد کردند که فلسطین در دوران پس از عثمانی از اهمیت استراتژیک برخوردار است. در تفکر آنها، فلسطین هم برای تسریع ظهور مسیح و هم به‌عنوان راهی برای خلاصی اروپا از جمعیت یهودی آن، باید یهودی باشد.

در اوایل قرن بیستم، این ایده‌ها به یک استراتژی بدیل شدند و همراه با جنبش سیاسی جدید صهیونیسم، که تئودور هرتزل در سال ۱۸۹۷ بنیان گذاشت، مورد توجه قرار گرفت. هرتزل و اشرافیت یهودیان انگلیسی «بازگشت» به فلسطین را به یهودیان اروپای شرقی قالب کردند. خود سرآمدان یهودی انگلیسی از این یهودیانی که از شرق گریختند و در برابر یهودی‌ستیزی در بریتانیا پناه گرفتند، خوش‌آمد نگفتند.

این رنجش باعث اتحاد بین اشراف یهودی با رهبران سیاسی مانند آرتور بالفور شد. از سال ۱۹۰۵، بالفور به شدت علیه مهاجرت یهودیان [به بریتانیا] لابی کرد. او همچنین با اشراف یهودی انگلیسی مانند هربرت ساموئل همکاری نزدیک داشت تا دولت بریتانیا را به سمت استراتژی روشن واگذار کردن فلسطین از امپراتوری عثمانی به منظور ایجاد یک کشور یهودی در آنجا سوق دهد.

این دو، دیوید لوید جورج، نخست‌وزیر اسلام‌هراس و فرانسه‌هراس را به خدمت گرفتند تا پیش از فرانسوی‌ها بتوانند شکوه و جلال صلیبیون را به «ارض مقدس» بازگردانند. پاداش وی آن بود بعداً هنگامی که یک شهرک یهودی که در زمین مصادره شده روستای ویران شده‌ی ملول در دره‌ی «مرج ابن عامر» (رمت داوود) ساخته شده بود، نام وی بر آن گذاشته شود.

تبدیل فلسطین به یک کشور انگلیسی-یهودی پیش از آنکه در سال ۱۹۱۷ در اعلامیه‌ی بدنام بالفور منتشر شود، در سال ۱۹۱۵ سیاست رسمی بریتانیا بود.

رؤیای صهیونیستی پس از هفتاد سال لابی‌گری در بریتانیا شکل گرفت. تلاش‌های لابی‌گری مانند چوب در مسابقه‌ی دو امدادی منتقل می‌شد. رهبری پروژه‌ی استعمار فلسطین از مسیحیان انجیلی گرفته و به اشراف انگلیسی-یهودی سپرده شد. این گروه - با کمک سیاستمداران برجسته‌ی انگلیسی - یک ماشین لابی صهیونیستی مؤثر ایجاد کرد که به ایجاد یک سیاست طرفدار صهیونیسم انگلیس کمک کرد که در نهایت اجازه‌ی ایجاد یک کشور یهودی در فلسطین را می‌داد.

موفقیت آنها - که پیش‌تر در سال ۱۹۱۵ به بار رسیده بود - پیامدهای فاجعه‌باری برای فلسطینی‌ها داشت. «نکبه»، فاجعه‌ی فلسطین در سال ۱۹۴۸، نه‌تنها نتیجه‌ی تصمیم بریتانیا برای تصرف فلسطین، بلکه حاصل تبدیل فلسطین به یک کشور صهیونیستی بود.

عذرخواهی و جبران یهودستیزی در غرب از نظر اخلاقی عادلانه و ضروری است. اما در این برهه از زمان، حساب‌خواهی یهودی-مسیحی در نقش آن‌ها در نابودی فلسطین و مردم آن حتی ضروری‌تر است.

پیوند با منبع اصلی:

<https://www.palestinechronicle.com/religious-reckoning-in-the-time-of-genocide-who-invented-zionism-ilan-pappe/>